CNN

نشانه‌های فروپاشی نظم برتون وودز آشکار شده است

نقش بریکس در دلارزدایی

۱۹۶۰
میلادی
تاریخچه دلارزدایی و عدم اتکا به دلار امریکا از اوایل دهه ۱۹۶۰ کلید خورد و سیر آن بسیار کند پیش می‌رفت

گزارش تحلیلی

فائزه‌سادات یوسفی
روزنامه‌نگار

روند رو به رشد دلارزدایی در جهان به یکی از مسائل مهم جهانی و حتی دسته اول تبدیل شده است. دلارزدایی صرفاً یک پدیده تمام شده در اقتصاد کشورها نیست بلکه روی دیگر سکه افزایش گفتمان ضد امپریالیستی در کشورها و رشد فرایند مدلسازی اقتصادی- سیاسی مرتبط با آن است. نگرانی امریکا و متحدان غربی آن نیز با توجه به تغییرات جهانی و گذار نظم بین‌الملل از آن جهت است که شکل‌گیری این فرایند با چهارچوب‌بندی مشخص و سازمانی شدن می‌تواند به جذب بسیاری دیگر از کشورها منجر شده و بلوک دلارزدایی را در تقابل اقتصادی با غرب و نهایتاً سیاسی بارور سازد، زیرا یکی از ابزارهای مهم اقتصادی در تداوم هژمونی سیاسی امریکا وزن سنگین دلار در تجارت جهانی بویژه نفت است. سازمان بریکس- شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی- با هدف اصلاح یا تغییر رویه‌های نهادهای بین‌المللی پولی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی شکل گرفت، زیرا به زعم آنها این نهادها معمولاً اهداف سیاسی خود را در قالب طرح‌های اقتصادی به پیش می‌برند و به نوعی بستر نابرابری و بی‌عدالتی جهانی را فراهم می‌کنند.

در این مورد در فارین پالیسی گزارشی از وزن سازمان بریکس، در سهم دلارزدایی و نقش آن در تأثیرگذاری بر دلار آورده شده است که در ادامه می‌آید:
با رصد اتفاقات حاکم بر دلارزدایی، می‌توان باور داشت که این موضوع بزودی در جهان اتفاق خواهد افتاد. ماه گذشته، در دهلی نو، الکساندر باباکوف، معاون رئیس دومای روسیه، گفت که روسیه اکنون در حال پیشروی ساخت یک ارز جدید برای تجارت فرامرزی توسط کشورهای بریکس است. بعد از آن رئیس جمهور برزیل، داسیلوا نیز بر این موضوع تأکید کرد و لازمه بکارگیری یک ارز مستقل را یادآور شد .
تاریخچه دلارزدایی و عدم اتکا به دلار امریکا از اوایل دهه ۱۹۶۰ کلید خورد و سیر آن بسیار کند پیش می‌رفت. دلار اکنون ۸۴٫۳ درصد تجارت بین‌المللی را شامل می‌شود اما هوشیاری و اراده امروزه دولت‌ها برای رهایی از آن، بسیار جدی‌تر از قبل شده و نمی‌توان این حجم از تجارت را در آینده حفظ کرد.
هر چند که فعلاً دلار همچنان جایگاه خود را حفظ کرده اما ارزی که توسط بریکس طراحی شود متفاوت و بسیار تأثیرگذار خواهد بود، زیرا سازمان بریکس مجموعاً در مقیاس تولید ناخالص داخلی از کل گروه جی ۷ برتری دارد و می‌تواند نقش ارزنده‌ای را در اقتصاد جهانی ایفا کند.
این ارز، می‌تواند دلار امریکا را به عنوان ارز ذخیره اعضای بریکس از بین ببرد. حتی اگر چشم‌انداز کنونی آن توسط اقتصاددانان در هاله‌ای از ابهام باشد و سؤالات پیرامون آن را نتوان پاسخ داد، اما این امر وجود دارد که ارز فرضی بریکس قدرت تصاحب جایگاه دلار را دارد یا به طور حداقلی می‌تواند آن را متزلزل کند.
اگر اعضای بریکس فقط از ارز خود برای تجارت بین‌المللی استفاده کنند، موانع موجود برای دلارزدایی و فرار از هژمونی دلار را از بین می‌برند. این تلاش‌ها در حال حاضر اغلب به شکل توافقنامه‌های دوجانبه برای تبدیل تجارت به ارزهای غیردلاری، مانند یوان، که اکنون ارز اصلی تجارت بین چین و روسیه است، صورت می‌گیرد. اما روسیه همواره تمایلی به تأمین بقیه واردات خود از چین ندارد. بنابراین، پس از معاملات دوجانبه بین دو کشور، روسیه باید بخشی از درآمدهای خود را به صورت دلار ذخیره کند تا بقیه وارداتش را از سایر نقاط جهان خریداری کند، که هنوز از دلار برای تجارت استفاده می‌کنند.
اما اگر روسیه و چین و دیگر کشورهای عضو، هر کدام تنها از ارز فرضی بریکس برای تجارت استفاده کنند، دیگر نیازی به ذخیره‌سازی دلار ندارند و ازاین رو فرایند دلارزدایی در وهله اول در داخل خود را شکل می‌دهند.
بریکس همچنین آماده است به سطحی از خودکفایی در تجارت بین‌الملل دست یابد که دیگر به اتحادیه‌های ارزی جهان وابسته نباشد. اتحادیه ارزی (ارز مشترک در اتحادیه اقتصادی) در بریکس برخلاف اتحادیه‌های دیگر مانند منطقه یورو که با مرزهای مشترک بلوکه‌بندی شدند، دارای مرز مشترک نیستند و این یک امتیاز مهم محسوب می‌شود، زیرا تنوع جغرافیایی موجود، نقش مهمی در خودکفایی کالای تولیدی ایجاد می‌کند و آنها می‌توانند طیف وسیعی از کالای مورد نیاز را در درون خود تأمین کنند.
از طرفی هریک از اعضای بریکس یک وزنه سنگین اقتصادی در موقعیت ژئوپلیتیکی خود هستند و کشورهای منطقه‌ای و جهان مایل به انجام تجارت با اعضای بریکس هستند. حال چگونه دیگر کشورها با ارز فرضی بریکس تجارت کرده و محدودیت آن را از بین ببرند؟ بدین گونه که کشور ثالث در بریکس نقش واسطه را ایجاد کرده و فرایند تجارت، با صادرات کشور غیر بریکس به آن و سپس صادرات مجدد از آن، موجب دور زدن محدودیت می‌شود. به طور مثال اگر تایلند حاضر به تجارت با چین با ارز فرضی شود، به کشور ثالث برزیل میگو صادر می‌کند و این در تجارت برزیل با چین لحاظ می‌شود .
مسأله ژئوپلیتیک در بریکس، بسیار حائز اهمیت است. همسویی منافع در یک منطقه، دیگر کشورهای غیر بریکس حاضر در منطقه را مجاب به همکاری با بریکس می‌کند؛ به طور مثال با آنکه کشورهایی مانند هند و چین ممکن است منافع امنیتی در تضاد با یکدیگر داشته باشند، اما علاقه مشترکی به دلارزدایی دارند و از این رو می‌توانند در قبال منافع مشترک در عین رقابت، همکاری کنند .
یکی از مزایای سنتی نقش جهانی دلار، توانایی امریکا در استفاده از تحریم‌های مالی برای تلاش برای پیشبرد منافع امنیتی خود است. واشنگتن منافع امنیتی ایالات متحده در قرن بیست و یکم را به طور فزاینده‌ای با رقابت با بازیگران دولتی مانند چین و روسیه تعریف می‌کند. یکی از تهدیداتی که امریکا با آن مواجه است، عدم کارایی تحریم‌ها به عنوان اولین و در دسترس‌ترین ابزار فشار بر دولت‌هاست. اگر تحریم‌ها اثر واقعی خود را از دست بدهند، ابزارهای فشار امریکا را ناکارآمد جلوه داده و ویژگی تصمیم‌گیری امریکا در جهان را دچار خدشه کرده و دایره اراده جهانی آن را در منظر عمومی کوچک می‌کنند. از سویی دیگر نیز، توانایی تقابل با امریکا و همکاری با کشورهای تحت تحریم را افزایش می‌دهد. دلارزدایی و پیشرفت جامعه بین‌الملل به سوی کاهش وابستگی یا عدم وابستگی به دلار، توانایی تحریم را از امریکا سلب کرده و به ابزاری ناکارآمد در سیاست امنیتی ایالات متحده تبدیل خواهد شد.
با وجود اینکه ارز فرضی دارای چالش‌های متعددی خواهد بود، اما باید باور داشت که چالش‌های پیش رو غیر قابل حل نیستند. ارز فرضی به این دلیل که بیشتر برای تجارت خارجی و نه گردش پولی داخلی کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد می‌تواند کار بانک‌های مرکزی را پیچیده کند، اما ایجاد یک بانک مرکزی فراملی و مشترک مانند بانک مرکزی اروپا می‌تواند شرایط را مدیریت کرده و گره‌های موجود را رفع کند.
در هر صورت باید گفت که سلطنت دلار یک شبه به پایان نمی‌رسد، اما ارز فرضی بریکس، باعث فرسایش آرام سلطه آن خواهد شد. این ارز در رقابت با دلار می‌تواند بازیگر جدید در بازار ارز جهانی بوده و به دور کردن موازنه قدرت از مراکز مالی، قدرت دهد و نظم پولی جهان را از تک‌قطبی به سمت چندقطبی شدن، ببرد.

اتصال کشورها به بریکس

جنگ اوکراین، تحولات بزرگی را بر جهان وارد کرده است و با توجه به هراس دولت‌ها از مشابه‌سازی اعمال تحریم روسیه بر خود و استفاده امریکا از سلاح دلار، بر تسریع گریز از دلار در جهان به طور ضمنی تأکید کرده است. کشورهای آسیا، آفریقا و کشورهای امریکای جنوبی که همگی در جنگ علیه روسیه، به همراهی با بلوک غرب نپیوستند، اراده اتصال به تجارت با بریکس یا حتی عضویت در آن را دارند. اعضای بریکس نیز، امکان گسترش بریکس را در قالب بریکس پلاس ایجاد کردند تا کشورهای دیگر غیرعضو به آن اتصال پیدا کنند. طی چند روز گذشته نماینده آفریقای جنوبی در بریکس گفت که ۱۳ کشور به صورت رسمی و ۶ کشور نیز به صورت غیررسمی تمایل خود را برای پیوستن به این گروه اعلام کرده‌اند. ایران نیز از سال گذشته، عضویت خود را در بریکس در دستور کار دارد و اعضای بریکس اعلام کرده‌اند که روند آن را مورد توجه و حمایت خود قرار داده‌اند.
این موضوع در اصل یک گزاره را تقویت می‌کند که ظهور سازمان‌های نوظهور اقتصادی در جهان، می‌تواند وزنی را در تجارت و اقتصاد جهانی ایجاد کند که بتوان ابزارهای مهم و انحصاری در دست غرب را به چالش اساسی کشاند و از طرف دیگر اهرم‌های فشار را مهار و از خود دور کرد. اثرات مثبت استقلال اقتصادی-سیاسی از سازکارهای امپریالیسم گونه غرب، در کشورهای جهان جریانی را در تقابل با آن ایجاد خواهد کرد. این موضوع تنها به دلارزدایی و رهایی از سیستم‌های پولی تحت تسلط امریکا منتج نخواهد شد و عرصه‌های دیگر را نیز شامل خواهد شد. جمهوری اسلامی ایران نیز برای تأمین منافع ملی و حتی منطقه‌ای بر این مهم، تأکید دارد و توسعه روابط با سازمان‌های نوظهور را که بر پایه استقلال و دوری کردن از غرب تشکیل شده در دستور کار خود قرار داده است.

> اما اگر روسیه و چین و دیگر کشورهای عضو، هر کدام تنها از ارز فرضی بریکس برای تجارت استفاده کنند، دیگر نیازی به ذخیره‌سازی دلار ندارند و ازاین رو فرایند دلارزدایی در وهله اول در داخل خود را شکل می‌دهند. بریکس همچنین آماده است به سطحی از خودکفایی در تجارت بین‌الملل دست یابد که دیگر به اتحادیه‌های ارزی جهان وابسته نباشد

المیادین

ارزیابی مراکز مطالعات اسرائیل از توافق ایران و عربستان

بازدارندگی محور مقاومت

۲۰۲۱
میلادی
ایجاد مرکز هماهنگی عملیات محور مقاومت در جنگ ۱۱ روزه سیف‌القدس سال ۲۰۲۱

گزارش تحلیلی

گروه سیاست

توافق ایران و عربستان با وجود گذشت بیش از یک ماه اما هنوز هم کانون بررسی محافل و مراکز مطالعاتی غربی و اسرائیلی است. در این بین در مراکز مطالعات اسرائیل تحلیل‌ها و ارزیابی‌های مختلفی از علت این توافق بیان شده است. اینکه ایران از چه موضعی توافق کرده است و اساساً این توافق چه دستاوردی برای ایران خواهد داشت. مرکز مطالعات امنیت ملی اسرائیل در مقاله‌ای به ارزیابی توافق ایران و عربستان پرداخته است. این مرکز در مقاله خود می‌نویسد: «جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر دو روند موازی جنگ و صلح را طی کرده است؛ از یک سو با کشورهای عربی سنی که قبلاً با تهران خصومت داشتند به توافقات جدیدی دست یافته و از سوی دیگر با تقویت محور مقاومت و افزایش اعتماد به نفس ایران برای فعالیت علیه اسرائیل خود را وارد مرحله جدیدی کرده است.»

این توافق برای اسرائیل چه معنایی دارد؟

ایران در حال حاضر بر دو فرایند متضاد منطقه‌ای متمرکز است؛ از یک سو، بتدریج روابط خود را با کشورهای عربی و با تأکید ویژه بر کشورهای حاشیه خلیج فارس و در درجه اول عربستان سعودی بهبود می‌بخشد، از سوی دیگر، تضاد شدیدی بین محور مقاومت تحت حمایت ایران و اسرائیل وجود دارد. در حالی که واضح است ابتکار عمل برای دور اخیر تشدید تنش در مرزهای شمالی و جنوبی اسرائیل مستقیماً به ایران مرتبط نبود، بلکه بیشتر به تحولات جبهه فلسطین، بویژه تنش‌ها در اماکن مقدس مربوط می‌شد، اما شکی نیست که ایران از افزایش هماهنگی بین اعضای مختلف محور مقاومت و تشدید تنش چندجانبه برای تشدید فشار بر اسرائیل استفاده می‌کند.
مرکز مطالعات امنیت ملی اسرائیل در ادامه می‌نویسد:«طی چند ماه گذشته و با شدت بیشتری در هفته‌های اخیر، ایران روابط دوجانبه خود را با کشورهای عربی سنی بویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس ارتقا داده است. تجدید روابط با عربستان سعودی با میانجیگری چین در ماه گذشته بویژه در این زمینه قابل توجه است. اندکی پس از اعلام این توافق، وزرای خارجه دو کشور در پکن نشستی برگزار کردند. در نتیجه از رئیس‌جمهور ایران برای بازدید از ریاض در آینده دعوت شده است و تیم‌های فنی دو کشور دیدارهای متقابلی داشته‌اند تا زمینه را برای بازگشایی نمایندگی‌های دیپلماتیک فراهم کنند.» علاوه بر این، عمان مذاکرات میانجیگری میان هیأتی از ریاض و جنبش حوثی در یمن را با امید به دستیابی به توافقی برای پایان دادن به تهاجم چند ساله سعودی به یمن از سر گرفته است.
در همین حال، ایران همچنین در حال مذاکره با بحرین است و از سرگیری روابط دیپلماتیک بین دو کشور محتمل به نظر می‌رسد. زمانی که این اتفاق بیفتد، ایران روابط خود را با همه کشورهای حاشیه خلیج فارس تجدید خواهد کرد.

واکنش جهان عرب به توافق ایران و عربستان

روند بهبود روابط ایران و جهان عرب به کشورهای حاشیه خلیج فارس محدود نمی‌شود. طبق گزارش‌ها، در ماه‌های اخیر، ایران به دنبال بهبود روابط با مصر و اردن بوده است که برای چندین سال سطح نسبتاً پایینی را حفظ کرده‌اند. در اوایل آوریل، رویترز بر اساس ادعاهای داخل وزارت گردشگری مصر گزارش داد که قاهره بزودی به گروه‌های سازماندهی شده از گردشگران ایرانی اجازه می‌دهد تا برای بازدید از سینا روادید دریافت کنند و در مرحله بعد اجازه دسترسی به بخش‌های بیشتری از این کشور را داشته باشند. اردن و مصر از توافق ایران و عربستان سعودی استقبال کرده و ابراز امیدواری کردند که این توافق به افزایش امنیت و ثبات در سراسر منطقه کمک کند. گزارش‌های جهان عرب همچنین حاکی از آن است که عراق در تلاش‌های میانجیگری میان ایران، مصر و اردن مشارکت دارد.

جنگ نامتقارن ایران علیه اسرائیل

این مرکز در ادامه در مورد جنگ نیابتی ایران علیه اسرائیل می‌نویسد: «تشدید وضع امنیتی در اسرائیل در اطراف قدس و حملات لبنان و سوریه با رضایت زیادی در ایران همراه بود. واکنش‌های اسرائیل در نوار غزه و لبنان توسط رسانه‌های تحت کنترل ایران به عنوان شاهدی بر ناتوانی آینده این رژیم در مقابله با حملات موشکی همزمان در چند جبهه، بویژه با توجه به بحران سیاسی داخلی در این کشور، به تصویر کشیده شد. سلسله حوادثی که شامل تشدید تنش اخیر در مرزهای اسرائیل، با قدس و حماس و تشدید اوضاع در غزه، لبنان و بلندی‌های جولان و به دنبال آن حملات اسرائیل در سوریه به اهداف ایرانی، این سؤال را مطرح می‌کند که تا چه حدی تحرکات مختلف در جبهه‌های مختلف بین اعضای محور مقاومت با محوریت حزب‌الله و ایران هماهنگ شده است؟»در سال‌های اخیر، ایران تلاش‌های فزاینده‌ای برای بهبود قابلیت‌های استراتژیک خود در برابر اسرائیل، از جمله با نیروهای نیابتی منطقه‌ای‌اش، برای دستیابی به پاسخی بهتر به فعالیت‌های تشدیدشده اسرائیل علیه اهداف ایرانی در سوریه و در خود ایران انجام داده است. علی‌رغم حملات اسرائیل، ایران به ارسال سلاح و مهمات به سوریه و حزب‌الله از مسیرهای مختلف ادامه می‌دهد.
این مرکز در ادامه در مورد سازماندهی محور مقاومت توسط ایران می‌افزاید: «ایران و گروه‌های نیابتی آن از این موقعیت ایجاد شده نهایت استفاده را می‌کنند و آن را فرصتی برای برقراری تعادل بازدارندگی جدید با اسرائیل می‌دانند. سفرهای اخیر اسماعیل هنیه، رئیس سیاسی حماس و زیاد النخاله، دبیرکل جهاد اسلامی فلسطین در بیروت برای دیدار با نصرالله و همچنین سفر فرمانده سپاه قدس به دمشق و احتمالاً بیروت گواه آن است. حتی اگر این حوادث حاصل هماهنگی ایران نبوده و توسط تهران سازماندهی نشده باشد، تا آنجا که به جمهوری اسلامی مربوط می‌شود، آنها یک تحول خوشایند هستند که می‌توانند به آن اجازه دهند تا هرگونه رویارویی آینده با اسرائیل را به یک رویارویی چندجانبه دشوار و چالش‌برانگیز بسط دهد. این ارزیابی ایران می‌تواند اعتماد تهران را تقویت کند که می‌تواند با موفقیت بیشتری با جنگ علیه اسرائیل مقابله کند و می‌تواند به تمایل ایرانی‌ها و نیروهای نیابتی آنها برای اتخاذ رویکرد تهاجمی‌تر در قبال اسرائیل سرعت بخشد.»
نکته اصلی این است، در حالی که ایران برای بهبود روابط خود با کشورهای عربی بویژه در حوزه خلیج فارس تلاش می‌کند، تنش آشکار و مداومی بین اسرائیل و ایران و شرکای آن در محور مقاومت تشدید شده است و در عین حال، افزایش هماهنگی بین اعضای محور در بالاترین سطح برقرار است. این هماهنگی پیش از این در عملیات سیف القدس در ماه مه ۲۰۲۱، زمانی که اتاق فرماندهی مشترک برای ایران، حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی فلسطین در بیروت ایجاد شد، مشهود بود. اسرائیل باید توجه داشته باشد، تا آنجا که به تهران مربوط می‌شود، محور مقاومت به معنای وسیع آن و در چهارچوب یک جنگ جامع منطقه‌ای، شبه‌نظامیان حامی ایران در عراق و حوثی‌ها در یمن را نیز شامل می‌شود که از قابلیت‌های نظامی پیشرفته‌ای برخوردارند. شاید همین کاهش تنش‌ها بین ایران و همسایگان عرب آن است که فرصتی را برای تهران فراهم می‌کند تا توانایی‌های خود را در برابر اسرائیل بهبود بخشد و بازدارندگی استراتژیک خود را ارتقا دهد.

> تشدید وضع امنیتی در اسرائیل در اطراف قدس و حملات لبنان و سوریه با رضایت زیادی در ایران همراه بود. واکنش‌های اسرائیل در نوار غزه و لبنان توسط رسانه‌های تحت کنترل ایران به عنوان شاهدی بر ناتوانی آینده این رژیم در مقابله با حملات موشکی همزمان در چند جبهه، بویژه با توجه به بحران سیاسی داخلی در این کشور، به تصویر کشیده شد